

بیمه ریسکهای اعتباری و سیاسی در تجارت خارجی

ترجمه: مصطفی نوری

کسب درآمد حق بیمه نتیجه صدور بیمه نامه درست است و برای رسیدن به این هدف بیمه گر در موقع صدور بیمه نامه باید تمامی عوامل و ریسکها را شناسائی کرده و بطور مؤثری با آنها برخورد نماید.

انتخاب مغایر

اغلب، بیمه گزاران ریسکها را بهتر از بیمه گران می شناسند و از حق انتخاب گوناگونی (مانند اداره اعتبارات صادراتی و اعتبارات اسنادی بانکها) برخوردار هستند و بعلاوه اینکه بیشتر ریسکها نامعلوم و مشروط می باشند ممکن است بیمه گزاران استفاده از روشهای پراکندگی ریسک را بر دیگر روشها ترجیح دهند. بیمه گران در مقابل این عمل بیمه گزاران به صورتهای زیر واکنش نشان می دهند:

— بدترین ریسکها را به هیچ وجه نمی پذیرند.
— توسعه خدمات (مانند پوشش جهت معاملات تهاتری و پوشش قبل از صادرات) که معمولاً بیمه گران در قبول این پوششها با مشکلات دوچندان مواجه می شوند.
— در نظر گرفتن کل فروش و یا بیمه نامه های عمده جهت بهبود پراکندگی ریسکها.

اگر بیمه گران در کل پرتفوی خود اصل پراکندگی خطر را نتوانند اعمال کنند بطور ناگهانی با خطرات شدید و بزرگی مواجه خواهند شد.

بیمه گران بخش خصوصی به جهت توسعه پراکندگی قابل قبول ریسک در مقایسه با اداره اعتبارات صادراتی بانکها برتری مشخصی را دارا می باشند. اولاً می توانند حمل محموله های تجاری را از هر نقطه دنیا بیمه کنند و

ثانیاً قابل انعطاف تر از نهادهای دولتی بوده و از عهده ریسکهایشان برمی آیند. با این حال باید توجه و دقت بیشتری مبذول داشت تا از انباشتگی و تراکم غیر عمدی آنها جلوگیری بعمل آورد. برای مثال در کشورهایی که اقتصاد متمرکز دارند بیشترین تعهدات از طریق یک یا دو بانک دولتی اعمال می شود. بیمه گر در این وضعیت باید جهت ایجاد تغییرات مناسب در مورد سررسیدهای پرداخت بیمه گزاران و کشور مبدأ کوشش قابل توجهی مبذول دارد. مهمترین طبقه بندی از تجمع ریسکهای سیاسی عبارتند از:

- کشور مقصد.
 - پرداخت در مقابل ریسک عدم پرداخت.
 - تعهد کننده.
 - سررسید پرداخت.
 - بیمه گزار و بیمه شده / کشور مبدأ.
- در رابطه با ضبط و توقیف کالا مهمترین طبقه بندی عبارت است از:
- کشور و محل فروش.
 - نوع سرمایه گذاری / کشور سرمایه گذار.
 - و در رابطه با حرقه و کارهای خطا:
 - کشور خریدار / کشور بیمه شده.
 - بیمه شده / قرارداد.
- بیمه گران اعتبارات صادراتی معمولاً به پراکندگی ریسک احتیاج دارند اما در عین حال در معرض فشارهای گوناگونی هستند که می توانند منتهی به خسارات عظیمی گردد. این موارد نیز عبارتند از:
- تجمع خطر مربوط به خریدار.
 - تجمع خطر صنعتی.

— کاهش ارزش پول.

— تبدیل ناپذیری پول.

اگر پراکندگی بیمه شده‌ها به خوبی رعایت شده و در کشورها و کارخانجات مختلف قرار داشته باشند تجمع خطر مربوط به خریدار بسیار آسان کنترل می‌شود لیکن باید توجه داشت که تجمع خطر در صنعت مشکلتز بنظر می‌آید. برای مثال اگر شما فروش زغال سنگ به کارخانجات فولاد را در اروپا بیمه می‌کنید باید توجه داشته باشید که هر تغییری در سوبسید دولتی بابت فولاد یا سیاست بازار می‌تواند بسیار سریع بر شماری از خریداران تاثیر بگذارد.

کاهش ارزش پول هم نسبت به تبدیل ناپذیری آن مشکل بسیار جدی بشمار می‌رود. واردکنندگان در قراردادهای متعددی می‌شوند که به فروشندگان ارز قوی پردازند. در نتیجه کاهش عمده ارزش اینگونه ارزها مقدار نقدینگی پولهای محلی را که به فروشندگان باید پرداخت شود افزایش داده در صورتیکه همزمان با آن فروش و مطالبات آنها کاهش می‌یابد. در این موقعیت طبیعی است که دولت‌ها هزینه استقراضهای محلی را افزایش داده و سطح نقدینگی بانک را کاهش می‌دهند که نتیجتاً افزایش قابل توجهی در عدم پرداخت خسارات دنباله‌دار بوجود می‌آید. از دیگر مسائل موجود در این زمینه می‌توان از حذف نرخ ارز امتیازی در واردات نام برد.

فصول در پرداخت بععل فوق‌الذکر بعنوان ریسکهای تجاری طبقه بندی شده است. تصمیماتی که سبب اینگونه خسارات می‌شود نشأت گرفته از حوزه سیاسی است ولی موجب اصلی آن حوادث و پدیده‌های اقتصادی می‌باشد. سیاستمداران می‌توانند زمان تصمیم‌گیری را کنترل کرده و این امکان برایشان وجود دارد که از شقوق مختلف تدابیر، مورد مناسب را برگزینند. اگر بیمه‌گر از نیروی اقتصادی که موجب اینگونه تصمیم‌گیریها می‌شود اطلاع حاصل کند میتواند براحتی آنها را پیش‌بینی نماید ولی تنها، زمان مطلوب برای این تصمیمات قابل پیش‌بینی نمی‌باشد. غیرقابل تبدیل بودن ارز در رابطه با اینکه متعهد له

دولتی، خصوصی یا یک موسسه مالی باشد ابعاد مختلفی را دارا می‌باشد. معمولاً مقررات مختلفی وجود دارد که ناظر بر تبادلات ارزی است و از آن طریق است که هر وام‌گیرنده به ارزهای خارجی دسترسی پیدا می‌کند. دولت‌ها بیشتر ارزهای خارجی خود را جهت مصارف خود بکار می‌گیرند (مانند واردات ضروری و بهره بانکها) که بعضی از ارزهای خارجی در اختیار بانکها و مقدار کمی هم در دسترس بخش خصوصی می‌باشد. در ضمن دولت‌ها معمولاً مقداری از ارزها را هم از طریق کانالهای غیررسمی به جریان می‌اندازند.

اگر بازار قانونی ارزهای خارجی بخش خصوصی در کشور خریدار وجود داشته باشد باید عدم پرداخت خریدار را زیان تجاری و نه یک ریسک سیاسی تلقی کنیم. بلکه قابل ذکر آن است که اگر خریدار بخش خصوصی بتواند ارزهای قوی جهت پرداخت به فروشندگان بدست آورد بیمه‌گذار نمی‌تواند در مقابل بیمه‌گر ادعای غیرقابل تبدیل بودن ارز را ارائه کند.

در این زمینه موقعیت بانکها و خریداران دولتی بسیار پیچیده است. بطور کلی بانکها و خریداران دولتی باید ارزهای خارجی را از طریق یک مکانیزم رسمی خریداری کنند. ناتوانی پرداخت خریداران دولتی (با وجود حسن نیت) بعنوان یک خطر سیاسی تلقی شده و تحت بیمه اعتبارات صادراتی پوشش داده می‌شود. ناتوانی پرداخت بانکها ممکن است جزء ریسکهای تجاری یا سیاسی قرار گیرد که این خود بستگی به شرایط و طبیعت بانکها دارد.

رابطه بیمه‌گذار و بیمه‌گر:

در این رابطه در نظر گرفتن موارد زیر اساس کار بشمار می‌رود:

- ۱ — بیمه‌گذار باید طوری رفتار کند که گویی بیمه نشده است (فعالیتش نشان از ذینفع بودنش باشد).
- ۲ — بیمه‌گذار باید نفع مالی مستمر و قوی در رابطه با ضرر بیمه‌گر احساس کند (یعنی اینکه در حالت ضرر بیمه‌گر، بیمه‌گذار هم خود را مسئول بداند).

۵ - آیا بیمه گزار توان مالی و صلاحیت کامل در موضع کنونی را دارا می‌باشد؟

۶ - آیا طرف خارجی معامله تمایل پرداخت یا توانایی انجام آنرا دارد؟ و اگر مشکلی بوجود آید بیمه گزار از چه ابزار و وسائلی استفاده خواهد کرد و آیا مورد استفاده کاربرد واقعی دارد؟

۷ - آیا طرفهای دیگری در معامله دخیل هستند که اقداماتشان باعث موفقیت در کار باشد ولی طرف قرارداد بیمه گزار نباشند؟ برای مثال می‌توان از طرفهای درگیر در یک معامله چندجانبه را نام برد. موارد مذکور هم در صدور بیمه نامه‌های سیاسی و هم تجارت خارجی عیناً مشاهده می‌گردد.

قراردادهای عقیم و خنثی و صدور بیمه نامه‌های اشتباهی هر دو در بیشتر جنبه‌ها یکسان هستند. بیمه گزار در مقابل پیش آمدها و اقدامات آینده از دولت خود یا مشتری تأمین خریداری خواهد کرد که احتمال اینکه تکمیل قرارداد را غیرممکن سازد وجود دارد. ریسک اصلی در این جا تمایل دولتها (اغلب در آمریکا) به استفاده از معاملات مصوب و مجاز بعنوان وسیله ای برای اداره بیمه نامه‌های خارجی است.

عمومی ترین نوع ریسک سیاسی غیرقراردادی اموال مصادره شده می‌باشد. اینگونه بیمه‌ها از جنبه تاریخی برای بیمه کردن سرمایه گذاران، ماشین آلات، دارائی و ابزار و وسائل تولیدی در مقابل خطر خلع ید از طرف دولت میزبان بکار گرفته شده است. غالباً خلع ید از مالکیت دارای جنبه‌های قراردادی می‌باشد برای مثال، شرکتی ممکن است بر پایه یک موافقت نامه قراردادی با یک موسسه دولتی حاضر بر سرمایه گذاری در کشوری شود که از بهره اقتصادی و امتیازات ویژه آن مطمئن است.

از طرفی احتمال زیان این منافع ممکن است تمایل به سرمایه گذاری در این مورد را کم کرده یا از نظر تجاری غیرقابل استمرار نشان دهد. از جهت دیگر سرمایه گذاری ممکن است براساس وضع یک قانون داخلی باشد که بیشتر سرمایه گذاران خارجی را شامل شود. هرگونه

۳ - شرایط بیمه نامه باید بنوعی باشد که بیمه گر برای تأخیر پرداختها و تغییرات غیرقابل اجتناب آماده بوده و شرایط در طول مدت بیمه نامه را در حد لزوم پیش بینی کرده باشد.

۵ - در صورت ایجاد خسارت، جبران و یا به حداقل رساندن آن بطور وسیع بستگی به اقداماتی دارد که بوسیله بیمه گزار یا از طریق او انجام گرفته است. اگر بیمه گزار و بیمه گر در یک استراتژی به توافق رسیده باشند مشکلی باقی نمی‌ماند. منافع بیمه ای بلند مدت بیمه گزار و غالباً در جهت عکس اهداف کوتاه مدت بیمه گر (وصول پول) می‌باشد. رفتار و عکس العمل بیمه گر در این مورد بسیار متنوع است.

ریسکهای بیمه شده:

از نظر یک بیمه گر سودمندترین روش طبقه بندی ریسکهای اعتباری و سیاسی انطباق آنها با دو گروه ریسکهای قراردادی و غیرقراردادی می‌باشد.

پوششهای قراردادی بعداً می‌تواند براساس کاهش شدت ریسک بصورت زیر تقسیم بندی شود:

۱ - تصور در پرداخت پوششهای قراردادی.

۲ - تصور در انجام وظیفه پوششهای قراردادی.

۳ - ممنوعیت دولتی در قراردادهای.

تقریباً برای تمامی پوششهای قراردادی، توجه کلی یکسانی اعمال می‌شود:

۱ - بیمه گر تنها باید حقوقی را که بیمه گزار تحت آن قرار دارد موافقت کرده است بیمه کند. البته همیشه فشار و فوریت جهت حمایت مالی در بیمه نامه‌ها از توان مالی قراردادها بیشتر خواهد بود. بیمه نامه بیمه گر اگر در جهت بهبود و اصلاح قرارداد عمل کند مسلماً عاقلانه بنظر نخواهد رسید.

۲ - بطور کلی قرارداد باید مناسب باشد.

۳ - قرارداد و حدود آن باید هر دو بعد ارزشی و تجاری قضیه را پیش بینی کند.

۴ - قرارداد باید از هر نظر روشن باشد.

زنند یا از وام دادن نقدینگهایشان خودداری کنند ۷۰٪ از عملیات سرمایه‌ای کشور متوقف می‌شود.

۲- در کشوری که بعضی از بانکهایش اعتبار اسنادی ارائه کرده و بعضی دیگر ازین عمل خودداری کنند نشان دهنده این است که بانکها از نظر مقررات بندرت در موقعیت متعادل قرار دارند.

۳- این موقعیتهای بسته یا باز باعث می‌شود که بانکها اصولاً حرکتیهای مستقل کمتر انجام دهند. شرایط آسان تهیه وام از بانکها در چند سال گذشته مشکل جدیدی را ایجاد کرده است. اگر بانکها از تغییر برنامه احتمالی کشور نگران باشند بطور حتم فعالیتهای خود را تقلیل خواهند داد. این عمل معمولاً کشور وام گیرنده را مجبور خواهد کرد که سریعاً مدت زمان معینی را جهت متوقف کردن تسهیلاتش اعلام نماید. آفریقای جنوبی نمونه بارز این مورد می‌باشد.

بدلیل وجود عوامل فوق الذکر، بیمه گران باید همیشه با جامعه بانکی در هر کشور تماس نزدیک داشته و دقت لازم را در این مورد بکار گیرند.

علاوه بر روابط بانکی، منابع درآمد مهمترین اثر را بر نقدینگی یک کشور دارد. نوسان در قیمتها، سودمندی کالاهای صادراتی، ویژگیهای تولیدات صادراتی و بازار یکی از موارد بحرانی و انتقادی بشمار می‌رود.

اصولاً ساختمان و طبیعت وام بسیار مهم می‌باشد یعنی: پول متعلق به چه کسی است؟ سرسید پرداخت آن چه وقت است؟ پول چه کشوری است؟ بهره بانکی آن چقدر است؟ و یا اصولاً اعتباری است؟ چندجانبه است؟ ... نهایتاً باید متوجه بود که تعدیل اقتصادی در کشور وام گیرنده را چه کسانی بعهده دارند؟ آیا آنها از حمایت سیستم سیاسی برخوردارند یا نه؟ و این حمایت چه اندازه کارآئی دارد یا بالعکس چقدر ناکافی است؟ هر قدر مشکل بدهی کشورها بطور روزافزونی سیاسی می‌شود قابلیت پیش بینی و درستی برنامه‌های اقتصادی آنها نیز رو به کاهش می‌رود.

واکنش سیستم سیاسی هر چه بیشتر به تمایل و

تغییراتی در این قوانین می‌توانند نتایج زیر را به بار آورد: حذف امتیازات ویژه همه سرمایه‌گذاران، ایجاد اوضاع نامناسب برای سرمایه‌گذاران خارجی یا برخوردی منفی با یک سرمایه‌گذار. بطور کلی، سرمایه‌گذارهای عظیم در صنایع استخراجی مانند معادن و کشاورزی تحت قوانین ویژه‌ای انجام گرفته و موافقتنامه‌های قراردادی معینی را لازم دارند. روش حسابداری، موقیت مالیاتی، انجام کار، سهم سود، قیمت گذاری، کنترل ارزهای خارجی، انجام کار، بازاریابی و پرداخت سود همه و همه موکول به موافقتنامه‌های ویژه می‌باشند. در رابطه با شناخت این مشکلات، بیمه گران ترجیح داده‌اند که دایره پوششها را به ریسکهای معین و دقیق محدود کرده و خسارات ناشی از خود قراردادهای را بطور کلی استثنا کنند.

در چند سال گذشته افزایش بهره در ارتباط جانبی ریسکهای قراردادی چندبعدی با سرمایه‌های معین وجود داشته است. وسیله نقلیه تجاری آشناترین مثال در این مورد می‌باشد. در این نوع معاملات فاصله بین ریسکهای قراردادی و ضبط اموال بسیار ناچیز بوده و بطور افزاینده‌ای بیمه گزاران و دلالتان بسوی تغییر آهنگ ریسکهای قراردادی بطرف ریسکهای ضبط اموال و توقیف روی آورده‌اند تا به ظرفیت بزرگتر و حق بیمه کمتر در بازار دسترسی پیدا کنند. بسیار بجا است اگر پیش بینی شود که در چند سال آینده خسارات قابل توجهی از ریسکهای ضبط اموال بوجود می‌آید که یقیناً بسیار شبیه به ریسکهای عدم پرداخت خواهد بود.

ریسکهای اعتباری داخلی:

اینگونه ریسکها مسلماً عمده‌ترین توجه بیمه گران را به خود جلب می‌کند. مرتبه و درجه ریسک در رابطه با یک کشور عمدتاً به خطری که پوشش داده شده است بستگی دارد. برای مثال به موارد زیر توجه کنید:

۱- دسترسی به وام بانکی عمده‌ترین منبع نقدینگی‌های کوتاه‌مدت در هر کشوری بشمار می‌رود. اگر بانکها از برقراری و تصویب اعتبارات اسنادی سر باز

می‌اندازند اگرچه این موارد امروزه در بازار مشاهده نمیشود و قابل تردید است که بیمه‌گران خصوصی بتوانند بهتر از این عمل نمایند.

۳ - عمده‌ترین قسمت سود آور این رشته بخش بازیافتی خسارات است. نرخ بازیافتی که بیشتر افراد دخیل در بازار در نظر می‌گیرند حدود ۳۰ تا ۴۰ درصد خسارات پرداخت شده می‌باشد. اگر نرخ بالا تر بدست آید سال مالی خوبی را نوید می‌دهد و بالعکس اگر نرخ پائین حاصل شود در آن سال مواجه با مقداری ضرر خواهید شد. بعید بنظر می‌رسد که «شرط بستن حساب سه ساله لویدز» وقت کافی به افراد ذینفع این رشته بدهد که حساب خسارت نهائی پرداخت شده هر سال را تقویم کنند. این بلا تکلیفی باعث وارد آمدن فشار سنگینی بر بیمه اتکائی جهت بستن حسابهای سندیکاها و لویدز شده و بطور کلی بر بازار بیمه اتکائی اثر می‌گذارد و چون بعضی از حسابهای بیمه‌گران در نهایت سود آور بوده و یا با توجه به خسارتهای بزرگ و یا کوچک با ضرر مواجه می‌شود مسئله شکل حادثی بخود می‌گیرد.

راه حل این مشکل پراکندن بیشتر این خطر در سطح بازار می‌باشد. بطور کلی برآورد مطلوبترین حد حق بیمه مشخص در بازار خصوصی ریسک‌های سیاسی منتهی به عدم توانائی در تأمین پوشش در رابطه با خطرهای بزرگ (بجز خطرات فاجعه آمیز) می‌شود. گاهگاهی ممکن است تمایلی برای شرکت در ریسک بین بیمه‌گران خصوصی و دیگر تأمین دهندگان مانند بانکها، اداره اعتبارات صادراتی یا حتی شرکتهایی که برای یک محموله یا یک کمپانی بیمه نامه صادر می‌کنند وجود داشته باشد. دیگر عوامل مؤثر در نرخ مسئله واگذاری پوششها در سیستم بازار آزاد لویدز، رقابت در بازار محلی شرکت و هزینه‌ها و ظرفیت بازار بیمه اتکائی است.

بازیافتی‌ها

بازیافتی‌ها در رابطه با سودآوری سالهای مالی شرکتهای بیمه اثرات قاطعی بر جای خواهند گذاشت.

خواسته مردم بستگی داشته باشد واکنش در مقابل مصارف داخلی جهت صادرات بسیار ضعیف صورت می‌گیرد.

بطور کلی بیمه‌گران، ریسک‌های سیاسی را براساس کارآئی اداری و زمینه کاری مطلوب و حداقل مورد تحریف و تخلف کشور مورد بیمه قبول خواهند نمود و مسلماً هر چه شرایط ریسک بیشتر و بزرگتر باشد اهمیت عوامل مذکور در قبول کار بیشتر خواهد بود.

حق بیمه

در بیشتر رشته‌های بیمه عمده توجه بیمه‌گر به حق بیمه کافی و وزنه ریسک معطوف می‌گردد. در بازارهای خصوصی، رقابت در بازار، شمار کمتر عوامل درگیر، تازگی رشد بیمه و استاندارد نبودن و پراکندگی بیش از حد آن باعث می‌شود که ارزیابی صحیح از حق بیمه صورت نگیرد. اگرچه امکان آن وجود دارد که بیمه‌گران اتکائی تلاش بیشتری جهت رسیدن به حق بیمه مناسب را انجام دهند ولی تا آنجا که معلوم است چنین موردی هنوز جامه عمل نپوشیده است.

سمینار نرخ گذاری اعتبارات صادراتی که توسط «اتحادیه برن» برگزار شد به نتایج بسیار مهمی منتهی گشت که اکنون با توجه به این نتایج می‌توان تا حدودی نظریه‌های زیرا را در بخش خصوصی اعمال کرد.

۱ - مهمترین تغییرات در تجربه خسارتی ریسک عبارتند از: شرایط تجاری و کشور مربوطه. یک ریسک متوسط در کشوری با موقعیت نامناسب از ریسکی کوچک در همان کشور شاید ۱۰ تا ۲۰ برابر خطرناکتر باشد. بنابراین قیمت گذاری بر مبنای سالیانه در بازار کنونی موجب می‌شود که شرایط ریسک متوسط بسیار کمتر از ریسکهای کوچک هزینه بردارد. مادامیکه بیمه‌گران نتوانند نرخ کافی و لازم را در مورد ریسکهای متوسط بدست آورند تا بوسیله آن پوششهای بزرگتر را تأمین کنند باید بطور جدی از بیمه کردن اینگونه موارد پرهیزند.

۲ - شمار بسیار ناچیزی از «اعتبارات صادراتی» از طریق قراردادهای عمرانی و ساختمانی سرمایه خود را بکار

«ادارات اعتبارات صادراتی» را ندارند.

بیمه اتکائی:

اکثریت بیمه گران ترجیح می‌دهند بحز اداره امور اتکائی خود درباره هر چیز به گفتگو بنشینند و این امر در بازار ریسکهای اعتباری و سیاسی بیشتر مصداق دارد. با اینحال بنظر میرسد که مهمترین مشکلات بیمه اتکائی مراتب زیر باشد:

۱ - دشواریهای بیشتر تصفیه خسارات نهائی در اینگونه بیمه ها.

۲ - عدم شناخت کافی بیمه گران اتکائی از صدور بیمه‌های سیاسی و اعتباری و عدم توجه کافی به اتکائی کردن آنها.

۳ - تعداد ناچیز نیروی انسانی متخصص در بازار اینگونه بیمه‌ها ارزیابی چگونگی اجرای امور بیمه گران مختلف را بسیار مشکل میکند. همینطور تعداد بسیار کمی از بیمه گران بعلت رابطه ملموس آنها با پراکندگی ریسک از عهده صدور بیمه‌نامه‌های بیشمار اینگونه ریسکها برمی‌آیند.

۴ - صدور بیمه‌نامه‌های سیاسی و اعتباری از یک شکل فنی برخوردار است ولیکن اصول و مبانی محکمی که بتوان آنها همیشه مبنا قرار داد وجود ندارد و بهمین سبب تکیه بیشتر بر روی بیمه گر است تا کسی که آنها انجام میدهد.

این ریسکها می‌تواند بصورت کاملاً حرفه‌ای اداره شود که در این مدت بیمه گران اتکائی خواهند توانست با اطمینان و اعتماد کامل مانند سایر رشته‌ها عمل کنند. نهایتاً این مطلب یک نقطه نظر دلگرم کننده است و یکی از موارد برجسته آن اینست که بیمه گران باید هر امر معقولی را در جهت کوتاه کردن جریان واقعی ریسکها اعمال کرده تا بتوانند بطور مطلوبی در زمینه پیش بینی نتایج حاصله موفق بیرون آیند.

نهایتاً موفقیت هر بیمه گر معینی در مقایسه با رقبایش باز یافتیهای خسارت ممکن است موجب دستیابی او به شروط مطلوب بیمه اتکائی و یا حتی اتکاگر مورد نظر باشد.

در مورد باز یافتی‌ها چندین عقیده مختلف را می‌توان ابراز کرد:

۱ - استراتژی تنظیم دوباره دیون که معمولاً ادارات اعتبارات صادراتی و بانکها آنها را به اجرا می‌گذارند.

۲ - پرداخت خسارت و تسلیم دیون. برای بیمه گران مزیت‌های عمده این کار این است که تنها با مقدار بسیار ناچیزی اتلاف وقت بلافاصله می‌توانند زیان خالص را برآورد کرده ریسک کاهش قیمت در بازار را حذف کنند و به پرونده‌ها خاتمه بدهند. البته گاهی هم ممکن است که تمامی ارزش بالقوه باز یافتی‌ها را نتوان بدست آورد.

۳ - مستقیماً یا از طریق بیمه گزار میتوان راه‌حلهای دیگر این مشکل را براساس «مورد به مورد» پیدا کرد. البته این کار مستلزم انجام اموری مانند مشورت، ملاقات با خریدار، موافقت با تخفیف جهت پرداخت سریع و یا قبول کالا بجای پول نقد می‌باشد. امور ممکن است بسیار وقت گیر بوده و مستلزم برخورد با اشخاص بسیار زیاد و مختلف باشد و اگر توام با موفقیت بشود در مقایسه با راههای دیگر نتیجه بسیار عالی بر آن متصور است که خود نیاز به تعهدات کامل و ابتکارات وسیعی در این زمینه دارد.

۴ - انتخاب چهارم عبارت است از پرداخت خسارت و واگذاری باز یافتی‌ها به بیمه گذاران. این عمل تنها زمانی مطلوب است که بیمه گر هیچ امکان دیگری نداشته باشد یا اینکه در بیمه‌نامه اینطور قید شده باشد و یا بیمه گزار متحمل خسارات زیادی شده باشد. البته باید توجه کرد که اداره اعتبارات صادراتی بعنوان یک گروه هم اکنون از باز یافتیهای قابل توجهی نسبت به حق بیمه برخوردار هستند و این موضوع غیر قابل انکار است که بازارهای خصوصی در این زمینه تجربیات خسارتی

آلودگی محیط زیست و بیم

این مقاله توسط هنری استمز میهمان دانشگاه پانتون - سوربون پاریس تألیف شده است و مطالب مندرج در این مقاله بیانگر نظرات شخصی مؤلف می‌باشد و به سازمان بین‌المللی که وی عضو آن می‌باشد ارتباطی ندارد.

آلودگی اتفاقی^۱:

آیا می‌توان خسارات وارده به همه قربانیان را جبران کرد؟

با توجه به رشد آگاهی در مورد آسیبی که به محیط زیست وارد می‌شود تولیدکنندگان در معرض خطر مطالبه خسارت ناشی از آلودگی قرار می‌گیرند. شرکت‌هایی که از مواد خطرناک استفاده و یا مواد شیمیایی خطرناک تولید می‌کنند یا مواد زائد حاصل از تولیدات آنها ممکن است آلودگی و یا حوادثی را بار آورد بیشتر در معرض این خطر می‌باشند. عوامل مختلفی مانند تولیدات غیراستاندارد یا نامناسب (مسئولیت تولید)، کارهای صنعتی که به سلامتی کارگران آسیب می‌رساند (جراحت صنعتی و بیماری‌های شغلی) و یا مواد آلوده کننده‌ای که توسط کارخانه‌ای منتشر می‌شود و یا دفع زباله و وارد کردن آن به محیط زیست می‌تواند مولد خطر مورد بحث باشند. در مقاله حاضر این خطر جدید که روز به روز بیشتر مورد توجه قرار می‌گیرد با شرحی در مورد تفاوت بین آلودگی «قابل تحمل» و آلودگی «اتفاقی» بررسی می‌شود.

«آلودگی قابل تحمل»^۲

اقدام آگاهانه عده‌ای و حتی برخورد بعضی مسئولین که تصور می‌کنند دفع یا انتشار مواد زائد در محیط زیست

امری عادی است موجب بروز آلودگی هائی می‌شود. برخی از آلودگی‌ها نیز در نتیجه غفلت یا اعمال ناشایسته که عده‌ای با نقض مقررات و یا با استفاده از فقدان مقررات به دفع زباله اقدام می‌کنند ایجاد می‌شود. انتشار سرب و کادمیوم در هوا توسط کارخانه‌های تولیدکننده فلزات غیرآهنی، تخلیه ترکیبات جیوه (مورد میناماتا) یا نمک (مورد راین) بداخل رودخانه‌ها، آلوده کردن مناطق صنعتی، نشت و ریزش مستمر مواد خطرناک مانند حلال‌ها، قطران، هیدروکربن‌ها و غیره نمونه‌های غیرقابل ذکر از انواع آلودگی می‌باشد. بعلاوه می‌توان از مشکلاتی که در اثر دفع زباله‌های سمی در محل‌های مجاز و غیرمجاز یا تحویل آنها به کارخانه‌های غیرمجاز و یا بی‌صلاحیت تصفیه زباله و یا کارخانه‌های هائی که مقررات را رعایت نمی‌کنند، نام برد. در موارد خاص دفع زباله سمی دهها یا حتی صدها میلیون دلار هزینه برداشته است.

اکنون دادگاه‌ها نسبت به دادخواست‌هایی که توسط صاحبان صنایع ارجاع می‌شود و در آن اظهار می‌شود که از عواقب اعمال یا اثرات احتمالی زباله خود بر محیط زیست بی‌اطلاع بوده‌اند، نظر مساعدی ندارند و در آینده نیز به احتمال زیاد چنین بهانه‌های ارزشی نخواهند داشت، و با توجه به پیشرفت‌های علمی و فنی و تشدید قوانین و مقررات، تولیدکننده یا صنعتگری که مولد آلودگی باشد حتی اگر تولید آن آلودگی از روی تقصیر نباشد باز هم به سختی می‌تواند از زیر بار چنین مسئولیتی شانه خالی کند.

بیمه‌گرانی که مسئولیت عمومی و جامع «آلوده‌کنندگان» را تحت پوشش قرار داده‌اند در مواردی از